



خیلواکی

استقلال

www.esteglaal.net

شنبه ۱۳ دسمبر ۲۰۲۵

از منابع دیگر

داستان تلخ نسل کشی ایکه استالین رقم زد

استالین و سیاست های کمونیستی

داستان برمی گردد به دهه ۱۹۳۰ که در شوروی سابق، قدرت در دست ستالین بود. استالین یک رهبر فوق العاده تندرو بود که سیاست های خشنی داشت. او هیچ خط سرخی نداشت، یک حکومت تمامیت خواه درست کرده بود و به کمک پلیس های مخفی همه را کنترل می کرد؛ از مردم عادی تا سیاست مدارها و نظامی ها. کوچک ترین چیزی که می دید سرکوب می کرد؛ از توقیف گرفته تا شکنجه و اعدام و تبعید. سیاست شوروی و کمونیست این بود که همه چیز یا مال دولت است یا مال دولت می شود. دقت کنید همه چیز! روی همین حساب بیشترین مشکلات را هم با دهقان ها داشت. دهقان ها زمین و حیوانات داشتند و استالین می خواست هر طور شده همه چیز را از چنگ شان بدر کند. به عبارتی استالین می گفت زمینت مال دولت است و تو هم برده دولت می شوی. این کار استالین صدای همه را درآورد و شورش ها شروع شد. بیشترین شورش ها و اعتراضات هم در اوکراین انجام می شد. استالین هم دست به سرکوبش خوب بود و معترض و شورشگر را یا با زندان و بیگاری یا با اعدام سرکوب می کرد. آن موقع شوروی شامل جمهوری های مختلفی مثل روسیه، اوکراین، ارمنستان، لیتوانیا و... می شد. همه جمهوری ها تحت یک نظام اقتصادی واحد بودند و فقط یک حزب رسمیت داشت به نام کمونیست که در مسکو (بزرگ ترین جمهوری شوروی) مستقر بود.

سرکوب دهقان های اوکراینی

استالین شروع به مقابله با دهقان های اوکراینی کرد؛ خیلی از آن ها را اعدام کرد، یک تعداد را به سبیریا یا اردوگاه کار اجباری فرستاد. این سرکوب دهقان ها فاجعه بود. وقتی دهقان نباشد که کار کند، محصولی هم نخواهد بود و این یعنی شروع یک قحطی. استالین اینجا کمی عقب کشید و سخنرانی کرد. او برای آرام شدن جو پشت تریبون آمد و از خشونت در اوکراین انتقاد کرد؛ گفت

این چه وضعی است، این ها هموطنان ما هستند، چرا مردم را اذیت می کنید، یک تعداد از مقامات را توبیخ کرد. نیرنگ خوبی بود؛ جو آرام شد و حدود یک سال، کاری به دهقان ها نداشتند. کمتر از یک سال بعد از آن سخنرانی، استالین دستور داد با تمام قوا جلو دهقان ها بایستند. شروع کردند به کشتار دهقان ها و زندانی و تبعید کردن آن ها. کار تا جایی پیش رفت که حدود سیصد هزار دهقان از اوکراین فرار کردند. استالین دائم فشار را روی دهقان ها بیشتر می کرد؛ اول قانون گذاشت هر سال هر دهقان مقدار مشخصی از گندم را باید تحویل دولت بدهد و مازادش برای خودش باشد. بعد گفت نه، آن مازادش هم مال دولت است. هرکسی که به آن حد مشخص نرسد، دام هایش را از او می گیریم. هر دهقانی هم که گندمش را ندهد، خائن و دشمن ملت شناخته می شود.

تشدید فشار و شروع قحطی

استالین دستور داد سرحدات اوکراین را هم ببندند تا کسی نتواند فرار کند؛ یعنی مردم را در اوکراین حبس کرد. دهقان ها اولش برای این که مخالفت خودشان را اعلام کنند، حیوانات شان را ذبح کردند. حالا همه این ها یک طرف، آن سال خشکسالی هم شده بود و واقعاً نمی شد حتی آن مقدار مشخص دولت را هم تولید کرد؛ اما استالین لجبازتر از این حرف ها بود، کاری نداشت خشکسالی است. می گفت باید آن حدی را که مشخص کردم تحویل دولت بدهید و فشار را بیشتر کرد.

اعلام کرد خوشه چینی هم جرم محسوب می شود و حکمش اعدام یا تبعید است (خوشه چینی یعنی جمع آوری دانه های گندم هایی که بعد از برداشت باقی می ماند). استالین رسماً در سخنرانی هایش خوشه چین ها و دهقان هایی را که سعی می کردند کمی برای مایحتاج زندگی شان گندم برداشت کنند، خائن و دشمن ملت معرفی کرد و قوانین را هر روز سخت گیرانه تر می کرد. مثلاً کسی اجازه مبادله کالا به کالا را نداشت، مبادله نان هم جرم بود. باوجود خشکسالی، گندم کم شد و دولت این را گردن دهقان ها انداخت و گفت شما کم کاری کردید و محصولات را خودتان را می دزدید.

وخامت اوضاع و آدم خواری

هر چه می گذشت شرایط بدتر می شد، هر چقدر کشت می شد، دولت سریع برمی داشت. ذخایر غذایی اصلاً در این شرایط پاسخ گو نبود و کم کم قحطی شکل می گرفت. از طرفی هیچ کس هم نمی توانست از مرزها فرار کند و خارج شود. مردم به دنبال یک لقمه نان، از این شهر به آن شهر می رفتند. مردم شهر شکل مرده های متحرک شده بودند و یکی یکی تلف می شدند. گوشه های خیابان از جنازه ها پر شده بود. به خاطر شرایط صحتی خیلی بد، غیر از قحطی یک تعداد بیماری مثل تیفوس هم اضافه شده بود.

کلمه هولودومور یک کلمه یونانی و ترکیب دو کلمه (هولد و مور) به معنی گرسنگی و طاعون است. ترکیب هولودومور یعنی کشتن با ابزار گرسنگی دادن؛ چیزی که در اوکراین در جریان بود. اوضاع اوکراین به حدی وخیم شده بود که مردم به آدم خواری و مردارخواری روی آورده بودند و تلاش برای زنده ماندن مشکل اساسی شده بود. یادداشت هایی از آن دوران مانده که یک مورد را با هم می خوانیم. نامه که یک دکتر از آن دوران نوشته: «وقتی این نامه را می نویسم هنوز آدم خوار نشده ام؛ ولی نمی دانم وقتی تو این نامه را می خوانی، یکی از آن ها هستم یا نه. در شهر ما آدم های خوب زودتر از بقیه مردند. کسانی که آدم خواری نکردند، مردند. کسانی که هنوز فرزندان شان را برای خوردن نکشتند، یکی یکی می میرند. یک عده اینجا کارشان شکار اطفال شده» (فکر کنید آدم شکار می کردند).

ابعاد وحشتناک فاجعه هولودومور

آدم خواری آن قدر زیاد و وحشتناک شده بود که روی در و دیوار تابلو زدند که خوردن فرزندان یک عمل وحشیانه است. بیشتر از ۲۵۰۰ نفر به جرم آدم خواری توقیف شدند. نیروهایی هم که مسئول بودند جنازه ها را جمع کنند و ببرند بیرون شهر، اگر وسائل نقلیه شان جای خالی داشت، آدم زنده و ضعیف هم می بردند و می گفتند این ها چند روز دیگر می میرند، بگذار خالی نرویم. استالین نمی گذاشت هیچ خبرنگاری به اوکراین برود. ولی بعضی از آن ها پنهانی گزارشی می دادند و اخبار اوکراین به بیرون درز پیدا می کرد. استالین همه را تکذیب می کرد و می گفت این کار رسانه های بیگانه برای تضعیف شوروی است. آمار و ارقام مختلف است؛ ارقام غیررسمی می گوید سال ۱۹۳۳ حدوداً هفت میلیون اوکراینی از قحطی مردند، خود مورخ های یونانی احصائیه ده میلیونی اعلام می کنند.

پایان قحطی و تلاش برای پنهان کاری

اواخر ۱۹۳۳ شرایط خیلی وخیم بود و استالین که دید دیگر بیشتر از این نمی تواند ماجرا را مخفی کند و از طرفی کنترل شرایط آهسته آهسته کاملاً از دستش خارج می شد، کم کم کمک رسانی را آغاز کرد. نکته جالب اینجاست همان موقع که مثلاً کمک می کرد (کمکش هم سمبولیک بود) یک تعداد عکس منتشر کرد از دهقان ها که ببینید کار این پدرسوخته های ضد انقلابی است. این ها بودند که مملکت را به این وضع انداختند. ولی اسناد و شواهد نشان می دهد هم زمان که شوروی دچار قحطی بود، صادراتش به بقیه کشورها پابرجا بود.

تحلیل ها و پیامد ها

تحلیل گرها نظرات متفاوتی دارند، یک عده می گویند آن قحطی به خاطر سیاست گذاری غلط شوروی بوده، یک عده معتقدند این کار عمدی و با هدف نسل کشی بوده؛ چون استالین مخالف شدید ملی گرایی و روشن فکران بود، این کار را کرده که ادبشان کند. البته که شوروی از اول رد می کرد و می گفت نه، قحطی وجود ندارد و تا جایی که می توانست هم این خبر را مخفی نگه داشت. البته که فرقی هم ندارد چه عمدی باشد و چه غیرعمدی، یک جنایت تاریخی بزرگ رقم خورده بود. خود اوکراین، هولودومور را یک قتل عام تمام عیار می داند و در نقش یک نسل کشی به رسمیت می شناسد و انکار نسل کشی را جرم می داند. البته که بازنده اصلی استالین بود. اگر سیاست گذاری غلط او باشد، هیچ جای دفاعی ندارد. اگر با هدف نسل کشی و سرکوب ملی گرایی هم بوده باشد، باز هم شکست خورده است؛ چون چند سال بعد از هولودومور، ملی گرایی شدت گرفت، روزنامه ها به زبان اوکراینی منتشر می شدند و در مدارس به زبان اوکراینی تدریس می شد.

یادبودهای جهانی

در امریکا، کانادا و پولند مجسمه های یادبود زیادی برای بیان این واقعه ساخته شده است. مخصوصاً در کانادا؛ چون آنجا جمعیت کانادایی اوکراینی زیادی دارد. آن ها هر سال مراسم برگزار می کنند و یک دقیقه سکوت می کنند. سال ۲۰۰۳ هم در سازمان ملل ۲۵ کشور یک بیانیه امضا کردند که در آن مشخصاً شوروی را متهم کردند و استالین و چند نفر دیگر را مسئول این نسل کشی دانستند.